

تحلیل جامعه شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی (مطالعه موردی: فرهنگسراهای شهر تهران)

نیلوفر سودمند^۱، فرهاد امام جمعه^{۲*}، عالیه شکرپیگی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

DOI: 10.30495/JISDS.2022.61937.11551

چکیده

توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن، تغییراتی در حوزه ادراک، شناخت، ارزش، گرایش‌ها و کنش‌های مناسب توسعه در افراد جامعه پدید می‌آید، و تحقق در این امر منوط به مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی است که با احداث اماکن فرهنگی و هنری و ایجاد نمایشگاه‌های کالاهای فرهنگی و جشنواره‌های مختلف فرهنگی، جامه عمل می‌پوشد. امروزه فرهنگسراها با وجود امکانات زیرساختی، معماری و فضای مناسب کمتر متناسب با اهداف توسعه‌ای خود پیش می‌روند و خلاءهایی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه‌ای دارند که قابل تامل و بررسی است. پژوهش حاضر از نظر نوع هدف، توسعه‌ای و کاربردی بوده و از نظر روش گردآوری داده‌ها، اکتشافی محسوب می‌شود. در این تحقیق به کمک روش تحقیق کیفی تئوری داده بنیاد و به کمک ابزار اسناد کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته از ۲۰ نفر از مسئولین فرهنگسراها و معاونان برنامه‌ریزی فرهنگسراهای شهر تهران، تلاش شده است تا مدلی پارادایمی برای تبیین ظرفیت فضا و معماری فرهنگسراهای شهر تهران در راستای توسعه پایدار فرهنگی ارائه دهیم. در این مطالعه به ۳ جریان اصلی با عنوان رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی و ساختار فیزیکی - معماری فرهنگسرا دست یافته و با کدگذاری محوری به هسته مرکزی بحث به عنوان نقش و جایگاه فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی رسیدیم. شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر بررسی و بر این اساس راهبردهایی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، فرهنگسرا، فرهنگ، فضا و مکان

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: niloofar_soodmand@yahoo.com)

^۲ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی استان مرکزی، ایران، (نویسنده مسئول).
(Email: f-emamjomeh@iau.ac.ir)

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی و استاد مدعو واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: ashekarbeugister@gmail.com)

مقدمه

تا اواخر دهه شصت میلادی، توسعه فرایندی اغلب اقتصادی به شمار می‌آمد و شاخص‌های اقتصادی معرف توسعه بودند. از آن پس به تدریج اقتصادگرایی توسعه رنگ باخت و هر یک از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مفهوم و تعریف توسعه تغییر کرد و نقد تعاریف اقتصادی توسعه آغاز شد. تا آن جا که این مسئله به نهضتی جهانی مبدل گردید و مجامع بین‌المللی به طور رسمی به ابعاد فرا اقتصادی توسعه پرداختند. (فاضلی، ۱۳۷۷؛ ۲۲).

شهر نشینی در ایران در سال‌های گذشته با رشد قابل توجهی همراه بوده است. اما به دور از مشکلات و پیامدهای منفی نیز نبوده و بخشی از این مشکلات حاصل عدم توجه کافی به بعد فرهنگی زندگی شهری است. بخشی از توسعه فرهنگی به سیاست‌های فرهنگی اختصاص دارد که در یک شهر اعمال می‌شود، و این سیاست‌ها اغلب در ایجاد اماکن و فضاهای فرهنگی تبلور می‌یابد. وجه دیگر توسعه فرهنگی مربوط به ساکنان شهر است که این جنبه را می‌توان در میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها جستجو کرد. (امام جمعه، ۱۳۹۵؛ ۱۳۷). ساکنان یک شهر پایدار می‌بایست از میزانی سرمایه فرهنگی برخوردار باشند تا از جانب آنان مطالبه‌ی فضاها و امکانات فرهنگی صورت گیرد و به تبع آن سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهری در این مسیر حرکت نمایند.

در طول دو دهه‌ی گذشته نیز فضاهای عمومی شهری در ایران، از یک سو مستقیماً فضای تجلی مناسبات قدرت و تعامل نیروهای اجتماعی با یکدیگر بوده و از سوی دیگر از طریق کنش‌های روزمره در صحنه برخورد و تماس عمومی گروه‌های متفاوت در شهر، به خلق ذهنیت مشترکی از قواعد زندگی اجتماعی کمک کرده است. به عنوان نمونه بسیاری از فضاهای گذران اوقات فراغت در سال‌های اولیه انقلاب دچار رکود یا وقفه شدند و کارکرد بسیاری از این مراکز و فضاها تغییر یافت. با فاصله گرفتن از سال‌های اولیه انقلاب و کم رنگ شدن فضای احساسی-ایدئولوژیکی آن دوره و همچنین روی کار آمدن تکنوکرات‌ها و هژمونی گفتمان سازندگی در صحنه سیاست‌گذاری و مدیریت کشور در دهه هفتاد، روند توسعه فضاهای عمومی در تهران و سپس سایر شهرها رو به رشد گذاشت. این مسئله موجب پیدایش فضاهایی عمومی چون فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ و دیگر مراکز فرهنگی شد.

فرهنگسراها به صورت فضای عمومی، عمدتاً در طول دهه‌ی ۷۰ شکل گرفتند. در طول این دهه فرهنگسراهای بسیاری در سطح شهر تهران ایجاد شد. با گسترش روز افزون فرهنگسراها در کلانشهر تهران مصرف برنامه‌های این فضاها نیز افزایش یافته است. فرهنگسراها فضاهای عمومی- فرهنگی هستند که از یک سو شرایطی را برای آموزش فرهنگی- اجتماعی مخاطبان خود و از سوی دیگر فضایی را برای گردهم‌آیی جوانان به دور هم فراهم می‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ سعی می‌کنند با کنترل فضاها نظام ارزشی مورد نظر خود را در فرهنگسراها گسترش دهند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

مفهوم توسعه یافتگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای آحاد جامعه که سبب محقق شدن شاخص‌های رشد فرهنگی در جامعه باشد. در حقیقت توسعه فرهنگی یعنی ارتقاء و اعتلای زندگی در جامعه و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگ.

آنچه مسلم است زندگی شهری با توسعه شهرنشینی نیاز به یک رهیافت فرهنگی دارد که این رهیافت همان توسعه فرهنگی است. (لطیفی، ۱۳۸۲؛ ۱۴۶) توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و در واقع بخش جدایی‌ناپذیر آن باشد. حیاط کالبدی شهر بدون توسعه فرهنگی نامتعادل خواهد بود (همان). توسعه بدون تحول فرهنگی اتفاق نمی‌افتد و ریشه هر تغییری در تحول و توسعه فرهنگی است. شهرنشینی و زندگی شهری تنها به خیابان‌ها، ساختمان‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی محدود نمی‌شود یک بعد مهم برای شهرنشینان، مشارکت در تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی و به عبارت دیگر، بهره‌مندی از توسعه فرهنگی است.

از آن جا که شهرها بیشترین هدف پیشرفت رشد اقتصادی قرار گرفته‌اند بیم نابودی هویت فرهنگی در شهرهای کلان معاصر زیاد شده، توجه به توسعه پایدار و توسعه فرهنگی در آن‌ها به مراتب اهمیت بیشتری یافته است. (زاهد، ۱۳۹۱؛ ۲۳) توسعه پایدار از ابعاد مختلفی برخوردار است که پیوسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از این ابعاد، ارتباط بین فرهنگ و توسعه پایدار است. در مورد توسعه پایدار و فرهنگ، بحث‌های مفصلی شده، هنوز جنبه‌هایی از آن، ناشناخته مانده است و عدم توجه به آنها می‌تواند توسعه پایدار را از هدف‌های تعیین شده، به شدت دور کند.

فرهنگ، محیط و انسان، روابط متقابل و حیاتی با هم دارند و تعالی هر یک در گرو دیگری است. در یک دیدگاه برنامه‌های توسعه به صورت مرسوم، به ویژه با روش از بالا به پایین و یک طرفه، نقش و تاثیر افراد و فرهنگ آن‌ها را در روند توسعه نادیده می‌گیرند. این برخوردها انسان‌ها را موجودات منفعلی فرض می‌کنند که در مقابل محیط، رویدادها، تغییرات و اطلاعات بی‌اختیار و تسلیم هستند. از سوی دیگر، فرد را تنها از بعد اقتصادی می‌نگرند و چنین می‌پندارند که او در نهایت، تنها منافع اقتصادی خود را دنبال می‌کند. بنابراین، برنامه‌های توسعه، هدف غایی خود را اغلب بر این پایه بنیان می‌گذارند. این روش هر چند در برخی ابعاد موفقیت‌هایی را داشته است، ولی در کشورهای در حال توسعه، مسائل و معضلات بسیاری پدید آورده است. کارکرد مهم فرهنگسراها غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان است. دولت و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران وجود فرهنگسراها را به عنوان مکانی برای جلب و جذب جوانان به تفریحات سالم در مقابله با جریان‌های فرهنگی بحران را بسیار موثر می‌دانند. قشر جوان اگر با علاقه و عشق و استعداد خود در فرهنگسراها آموزش ببیند و فعالیت خلاق و با نبوغ خویش را بروز و ظهور بدهد در نتیجه افق‌هایی از توسعه فرهنگی درون‌زا+ از پایین به بالا اتفاق می‌افتد. در نتیجه ضرورت توجه به کیفیت عملکرد فرهنگسراها در جامعه شهری نامتوازی مانند تهران در این بخش نمایان می‌شود. حضور فعال جوانان در کلاس‌های آموزشی، فرهنگی و هنری از سویی باعث حضور بیشتر جوانان در عرصه‌های اجتماعی شده، و معمولاً مردم با مراکز فرهنگی نزدیک به محل سکونت‌شان احساس امنیت و الفت می‌کنند و در نتیجه از آموزش‌های موجود در این مراکز بهره می‌برند و این‌گونه محیط‌ها را به ویژه وقتی تناسب بین فضا، معماری و اهداف فرهنگی برقرار باشد، برای حضور فرزندان‌شان امن و موثر می‌دانند.

بسیاری از جوانان با توجه به یکپارچه‌سازی اجتماعی- فرهنگی که در بسیاری از ساختارها و سازمان‌های جامعه شهری ما در سال‌های بعد از انقلاب نظیر مدارس، مراکز فرهنگی و تفریحی به وجود آمد، در جست و جوی فضاهایی هستند که غیر رسمی‌تر خلق شوند. فضا به خودی خود یا به سبب عناصر کالبدی‌اش نیست که هویت خلق می‌کند، نوع کنش اجتماعی که در آن فضا اتفاق می‌افتد و گروه استفاده کننده، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار فرهنگی باشد. از این رو توجه به چگونگی مصرف فضاها به ویژه فضاهای فرهنگی تلاش مفیدی در زمینه توسعه پایدار فراهم می‌کند. زیرا که فرهنگسراها فضایی بین فضای رسمی و ایدئولوژیک مدرسه و دانشگاه (رضائی، ۱۳۸۶) و فضای غیر رسمی کافی‌شاپ‌ها (نظام آبادی، ۱۳۸۶) هستند؛ و از این جهت حائز اهمیت است که این سازمان از یک سو حامل سیاست‌های رسمی، رمزگان و کدهای فرهنگی است که به واسطه آن‌ها انتظار می‌رود ذهنیت مخاطبان را متناسب با این سیاست‌ها شکل دهد. از سویی دیگر جوانان می‌توانند مخاطب عمده‌ی فرهنگسراها باشند و آن‌ها بیشتر زمان خود را بعد از مدرسه و دانشگاه در آن مکان بگذرانند و به نوعی گروه‌های دوستی خود را در فرهنگسراها تشکیل بدهند. در نتیجه فرهنگسراها به عنوان حامل سیاست‌های غیررسمی، شرایط توسعه پایدار را در جامعه فراهم می‌کند.

با توجه به این که رویکرد مدیریتی توأم با محافظه‌کاری به تنهایی نمی‌تواند توسعه پایدار را فراهم سازد امروزه، مدیریت سازمان فرهنگی شهرداری تهران و فرهنگسراها به پژوهش‌های جامعه‌شناختی از نقش و جایگاه فرهنگسراها به عنوان فضاهایی برای بازتولید ارزش‌های مورد نیاز فرهنگی جامعه و فضایی برای گذران خلاق و جاذب اوقات فراغت و چگونگی مصرف برنامه‌های فرهنگی در این فضا نیاز دارند؛ و این امر از آن جهت که در بسیاری مواقع نحوه استفاده از این فضاها با آن چه که مدنظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی بوده، در مواردی ناسازگار است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله ارائه یک تحلیل تخصصی جامعه‌شناختی از مفاهیمی چون فضا و مکان فرهنگسراها و طراحی یک مدل برای دستیابی به توسعه پایدار فرهنگی در شهر تهران است. بنابراین موارد زیر در دستور کار می‌باشد:

- شناسایی پدیده محوری نقش فضا و مکان فرهنگسراها در شهر تهران به همراه اجزای آن
- شناسایی شرایط علی موثر بر فضا و مکان فرهنگسراهای شهر تهران
- شناسایی شرایط مداخله‌گر درون سازمانی موثر بر فضا و مکان فرهنگسراهای شهر تهران
- شناسایی شرایط عام (بستر) موثر بر فضا و مکان فرهنگسراهای شهر تهران

پرسش‌های پژوهشی

با مطالعات بنیادی انجام شده، پرسش‌های زیر در این مقاله، در دستور کار می‌باشند:

الف) سوال اصلی: چگونه می‌توان ظرفیت فضا و مکان فرهنگسراهای شهر تهران را با رویکرد فرهنگی شناسایی و تحلیل کرد؟
ب) سوالات جزئی:

- شرایط علی موثر بر فضا و مکان فرهنگسراها در راستای توسعه پایدار فرهنگی چیست و از چه مولفه‌ها و ابعادی برخوردار است؟
- پدیده محوری فضا و مکان فرهنگسراها در راستای توسعه پایدار فرهنگی چیست و از چه ویژگی‌ها و ابعادی برخوردار است؟
- شرایط زمینه‌ای پایدار تاثیرگذار بر فضا و مکان فرهنگسراها چیست و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟
- شرایط مداخله‌گر (واسطه‌ای) درون سازمانی که در توسعه پایدار فرهنگی موثر است از چه ویژگی و ابعادی برخوردار است؟

در رویکرد جامعه‌شناسی، فرهنگسرا را به مثابه فضا و مکانی برای روابط و تعاملات اجتماعی نگریسته و با معرفی نظریات فضا و مکان به وجه افتراق آن از یکدیگر پرداخته می‌شود.

ادبیات نظری: از آن‌جا که مبنای این پژوهش، الگوی نظریه داده بنیاد (GT) می‌باشد، به دنبال آزمون و واریسی نظریه‌های

پیشینی بوده، و قصد بر این است که موضوع در سایه قضایای نظری که در ضمن خود تحقیق پدید می‌آید، توضیح و تبیین بشود. اما بهره‌ای که برخی مفاهیم و نظریه‌ها برای ما دارند افزایش حساسیت مطالعاتی، سنجش روایی و اعتبار، تفسیر و استنباط یافته‌های پژوهش و بررسی انتقادی این مفاهیم و نظریه‌ها براساس یافته‌های پژوهش است. باری، براساس مشاهدات و مصاحبه‌هایی که صورت می‌گیرد ممکن است چندی از نظریه‌ها، مفاهیم و مقولات به دست آمده را تبیین، و شاید در ضمن کدگذاری، به نظریه‌های جدیدی نیز دست یافت. در این زمینه با اشاره‌ای که در بالا بیان شد، چندی از آراء صاحب‌نظران به منظور افزایش حساسیت نظری، سنجش روایی و اعتبار تحقیق مطرح می‌شوند:

"رولف"^۱ معتقد است مکان در واقع فضایی کالبدی است که انسان در آن حضور می‌یابد و ترکیب انسان با فضا، مکان را خلق می‌کند. بنابراین مکان به یک واحد از فضا اطلاق می‌شود که به وسیله انسان اشغال شده باشد. مکان مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان‌ها است. رویدادها و عملکردهای آگاهانه تنها در ساخت مکان‌های معین، پر اهمیت جلوه می‌کنند و علت افتراق مکان‌ها، تمرکز ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، هدف‌ها و تجربه‌های مختلف آن‌ها است. (رولف، ۱۹۸۶؛ ۴۴)

^۱ Rolf

"گیدنز"^۱ معتقد است تعاملات انسانی در هر فضایی، معنای متفاوتی دارد، زیرا هر یک از این فضاها به طرق متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرند و هر یک حامل گستره‌ای از فعالیت‌هایی هستند که معانی متفاوتی دارند. اهمیت رابطه فضا و روابط اجتماعی به حدی است که باید به توزیع فضایی فعالیت‌های اجتماعی و ویژگی موقعیتی همه کنش‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای نمود. فضاها شهری به عنوان یک فضای عمومی، با مالکیت عمومی در دسترس عموم قرار دارند و در آن عملکردهای جمعی یا انفرادی صورت می‌گیرد. فضاها شهری ساختاری کالبدی برای تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. انسان‌ها همواره با ایجاد فضاهایی در شهر، نیاز خود به برقراری روابط اجتماعی را برآورده ساخته‌اند، این فضاها از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباط چهره‌به‌چهره انسانی در درون جامعه شهری و در کالبدی سازمان‌یافته را فراهم آورده‌اند. باری، مکان و فضا منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی است. روابط قدرت در هر فضایی متفاوت است. همانطور که فوکو اشاره می‌کند، کل تاریخی که در مورد مکان‌ها به صورت مکتوب برجای مانده تاریخ قدرت‌ها، فعالیت‌ها، تاکتیک‌های خرد ساکنان آن مکان بوده است. (ژلنتیس، ۱۳۹۹؛ ۲۹۵)

گیدنز تصریح می‌کند که "ساختار صرفاً از طریق فعالیت عاملان انسانی و در بطن فعالیت‌ها وجود دارد" (گیدنز، ۱۹۸۹، ۲۵۶). گیدنز معتقد است که ساختار بر کنش، هم الزام آور و هم توانایی بخش است. از طرفی ساختار و عاملیت یک نوع دوگانگی را باز می‌نماید و هیچ کدام بدون دیگری نمی‌توانند وجود داشته باشند.

زمان و فضا متغیرهای تعیین‌کننده‌ای در نظریه گیدنز به شمار می‌رود. هر دوی آن‌ها به حضور زمانی و فضایی آدم‌های دیگر بستگی دارد. شرط اولیه، کنش متقابل چهره‌به‌چهره است، کنش متقابلی که در آن دیگران نیز در همان زمان و در همان فضا حضور دارند. با وجود این، نظام‌های اجتماعی در زمان و فضا گسترش می‌یابند تا حدی که ممکن است دیگران در زمان و فضا حضور نداشته باشند. یک چنین فاصله‌گیری زمانی و فضایی بر اثر ظهور اشکال نوین ارتباطات و حمل‌ونقل در جهان مدرن بیش از پیش امکان‌پذیر شده است. (ریتزر، ۱۳۹۱؛ ۵۸۰)

در نظریه پردازی آرچر نوعی بعد تضاد و نظم نیز وجود دارد. اجزای نظام فرهنگی ممکن است متعارض یا مکمل هم باشند. این امر به تشخیص این قضیه کمک می‌کند که آیا عاملان انسانی با یکدیگر روابط نظام‌مند دارند یا روابط تضادآمیز. این روابط نیز به نوبه خود مشخص می‌سازند که روابط فرهنگی با ثبات هستند یا در حال تغییر. (همان)

"مارگارت آرچر"^۲ (۱۹۸۸) با تمرکز بر روی پیوند بین عاملیت و فرهنگ، ادبیات عاملیت - ساختار را به مسیر دیگری کشانده است. "آرچر" در قالب بحث عاملیت، به بررسی شیوه‌های تاثیر نظام فرهنگی بر کنش اجتماعی - فرهنگی می‌پردازد. او اظهار می‌کند که موضوع مورد علاقه‌اش پیوند فرهنگ و عاملیت است، به گونه‌ای که او معتقد است نظام فرهنگی دقیقاً به رابطه دوسویه این نظام با عاملیت انسانی بر می‌گردد. (یعنی تاثیرات نظام فرهنگی بر ما و تاثیرات ما بر نظام فرهنگی). او معتقد است که عاملان توانایی آن را دارند که تاثیر نظام فرهنگی را تقویت و یا در برابر آن مقاومت کنند. (جعفری، ۱۳۸۷؛ ۴۷)

"هایدن"^۳ (۱۹۹۱)، در کتاب خود با نام "قدرت مکان"، به بررسی اهمیت تاریخ اجتماعی موجود در نماهای شهری می‌پردازد، درست همان کاری که وی در لس آنجلس در نهاد جامعه فعال با همین نام تاسیس کرده بود. (هایدن، ۱۹۹۵؛ ۴۳)

جوامع و کارشناسان سعی دارند تا حافظه عمومی را از طریق فعال‌سازی قدرت نماهای تاریخی شهری تقویت کنند؛ زیرا به قول خود هایدن: "شناخت تاریخ نماهای فرهنگی شهری موجب می‌شود که شهروندان و مسئولان بتوانند در مورد مسائل سیاسی و مکانی آینده تصمیم‌گیری کنند و همچنین محیطی را برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر کارشناسان در زمینه‌های طراحی فراهم آورند." (همان)

¹ Anthony Giddens

² Margaret Acher

³ Heyden

"چارلز لاندري"^۱ در کتاب خود با نام شهر خلاق (۲۰۰۰) بیان می‌کند که توسعه پایدار به ۲۰ سال زمان نیاز دارد و این که برای مدت ۱۵ سال سعی شده تا به اهمیت فرهنگ در روند توسعه پرداخته شود، اما مردم زمان زیادی برای پذیرش این مسئله نیاز دارند. (لاندري، ۲۰۰۰؛ ۲۷۱). لاندري بیان می‌کند که توسعه پایدار، مفهومی توانمند است که تغییری کلی را در پی داشته است و تلاش‌های انجام شده، به نوآوری‌ها و بهبودهایی در کل سیستم‌های شهری منتهی شده است. سیستم فرهنگی شده به عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی با قدرت بالا برای بکارگیری فرهنگ در تمامی ابعاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. لاندري در کتاب هنر شهرسازی (۲۰۰۶)، به این واقعیت اشاره می‌کند که هر دوره تاریخی نیازمند خلاقیت خاص خود است و به نیازهای فعلی اشاره می‌کند:

"جان هاگز"^۲ به طرح رویکرد خود در کتاب ستون چهارم توسعه پایدار، نقش ضروری فرهنگ در برنامه‌ریزی (۲۰۰۴) می‌پردازد. او بیان می‌کند که برای برنامه‌ریزی درست، روش بکار گرفته شده، "باید دربرگیرنده چهارچوبی واحد از ارزیابی فرهنگی به همان شکلی باشد که برای ارزیابی تاثیر اقتصادی، محیطی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود" (هاگز، ۲۰۰۴؛ ۷). از نظر هاگز، زمانی که فرهنگ به عنوان نمادی از آنچه برای انسان است، پذیرفته شود، آن‌گاه می‌توان به روشنی دریافت که چرا یک دیدگاه فرهنگی، مبنای ضروری برای تمامی برنامه‌ریزی‌ها تلقی می‌شود (هاگز، ۲۰۰۴؛ ۳۲). چون چارچوب‌هایی برای ارزیابی برنامه‌ها از ابعاد اجتماعی، محیطی و اقتصادی وجود دارد، در نتیجه باید برای ارزیابی فرهنگ نیز چارچوبی وجود داشته باشد. هاگز به طرح یک چارچوب فرهنگی اشاره می‌کند که بتواند برای تمامی وضعیت‌ها به کار رود؛ چارچوبی که راه به سوی ایجاد یک سیاست فرهنگی داشته باشد. تمامی فعالیت‌های این مجموعه مثل دولت محلی باید مورد ارزیابی قرار گیرد "مثل تاثیر احتمالی یا واقعی آن بر هر یک از چهار محدوده توسعه پایدار" (همان). همچنین، هاگز بیان می‌کند که "اگرچه ارزیابی فرهنگی انجام شده، اما ارزیابی تاثیر فرهنگ نیز باید به عنوان یک اجبار در کل فرایند برنامه‌ریزی مدنظر باشد. بدون این کار، ما به گونه‌ای در معرض خطر تبدیل خواهیم شد." (همان، ۳۳)

هاگز در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی تردید داشته و تردید خود را به این شکل بیان می‌کند: (یانگ، ۱۳۹۲؛ ۱۶۱) "واقعیت این است که تمام سیاست‌ها فرهنگی است؛ همان‌طور که تمام سیاست‌ها، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی است. زمانی که سعی می‌شود تا یک سیاست‌گذاری فرهنگی مجزا تبیین شود، در تور کاهش‌گرایی گرفتار می‌آییم. به نظر می‌رسد زمانی که وارد این راه می‌شویم، باید به افقی با هنر و میراث فرهنگی چشم داشته باشیم" (هاگز، ۲۰۰۴؛ ۳۴، به نقل از یانگ، ۱۳۹۲؛ ۱۶۱-۱۶۲). از نظریات بالا می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که فرهنگسرا به عنوان فضایی که تعاملات اجتماعی در آن متناسب با فضا و معماری آن معنای متفاوتی می‌یابد، می‌تواند مورد استفاده اقشار مختلف جامعه قرار گیرد و علاوه بر ایجاد رفتارهای اجتماعی آگاهانه موجبات قدرت اجتماعی در جامعه را فراهم نماید. و در نهایت کنش‌های اجتماعی متناسب با ساختار(فضا و معماری فرهنگسرا)، عاملیت(انسان) و فرهنگ زمینه‌ساز توسعه پایدار فرهنگی در جامعه گردد. بنابراین چیزی که واقعا نیاز هست یک سیستم فرهنگی شده، برای تقویت روند به کارگیری اصول اخلاقی در فضاهای شهری و فرهنگی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع هدف، توسعه‌ای و راهبردی بوده و از نظر روش گردآوری داده‌ها، اکتشافی محسوب می‌شود. ماهیت اکتشافی تحقیق از این قرار است که هدف آن طراحی و تدوین مدلی است که جنبه‌های بیشتری از توسعه پایدار فرهنگی را نشان دهد. داده‌های کیفی مشکل از اطلاعاتی است که بدون اتکا به ابزارهای از قبل تعیین شده مانند پرسشنامه و با استفاده از ابزارهایی نظیر مشاهده بدون ساختار و مصاحبه گردآوری شده است.

¹ Charls Landry

² John Hawkes

بخش عمده داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه، جمع‌آوری شده است. مصاحبه با مسئولین و سیاست‌گذاران فرهنگسراهای شهر تهران انجام شد که تعداد کل مصاحبه‌ها به ۲۰ مورد رسید. با برخی از مشارکت‌کنندگانی که قبلاً مصاحبه شده بود، برای از بین بردن تفاوت‌ها و اختلافات و تکمیل مصاحبه، مجدداً تماس گرفته شد و حجم یادداشت‌های حاصل از مصاحبه به ۸۰ صفحه رسید. بعلاوه، از مصاحبه‌های شهرداران، محققان مرکز پژوهش‌های سازمان فرهنگی هنری در سایت‌ها و برخی سخنرانی‌های صوتی بهره‌گیری شد. برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها، تمام مصاحبه‌ها ضبط شد. بعلاوه در طول مصاحبه‌ها در موارد حساس از "چکیده انعکاسی" استفاده شد. در چکیده‌های انعکاسی از آنچه که هسته اصلی بحث است یک توضیح شفاهی ارائه داده شد تا سوء تفاهمات کنترل شود. از آن جا که مشارکت‌کنندگان این امر را یک شونده فعال می‌دانستند، این تجربه برای آنان خوشایند بود. پس از چندین ساعت زمان برای تکمیل یک مصاحبه، خلاصه کتبی از آن تهیه شد که در کدگذاری باز بسیار موثر بود؛ و از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و اتکاء به راهبرد پژوهشی تئوری داده بنیاد، "تم‌های کلیدی" استخراج و پس از عرضه به ادبیات فضا و مکان، تبدیل به مدلی پارادایمی بر مبنای الگوی اشتراوس و کوربین (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۶) برای ارائه نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی، می‌شود.

جامعه هدف، مدیران و مسئولین برنامه‌ریزی فرهنگسراهای شهر تهران بودند و از "نمونه‌گیری نظری" (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۶؛ ۱۶۳) به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مدیران و مسئولین برنامه‌ریزی فرهنگسراهای شهر تهران برای کشف ارتباط بین مفاهیم استفاده شد. در نمونه‌گیری نظری محقق از اشخاص نمونه نمی‌گیرد، بلکه از مفاهیم، نمونه می‌گیرد؛ و به طور هدفمند نشانه‌های آن مفاهیم را جستجو می‌کند. به طوری که محقق داده‌ها را بررسی می‌کند تا کشف کند که چگونه مفاهیم تحت شرایط مختلف تغییر می‌یابند. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۶؛ ۱۶۳-۱۶۴)

تحلیل داده‌ها بعد از نخستین روز جمع‌آوری آغاز شد. جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل را هدایت کرده و تحلیل منجر به مفاهیم می‌شود. مفاهیم سوال‌ها را تولید کرد و سوال‌ها منجر به جمع‌آوری بیشتر داده‌ها شدند. این فرایند چرخشی تا زمانی که تحقیق به نقطه "اشباع" برسد ادامه می‌یابد، یعنی نقطه‌ای در تحقیق که همه مفاهیم خوب تعریف شده و توضیح داده شده باشند. در نهایت شرایط علی، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدها در کدگذاری محوری و هسته‌ای شناسایی گردید؛ و مدل پارادایمی با عنوان نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسرا در توسعه پایدار فرهنگی ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

برای انجام مصاحبه در خصوص توسعه پایدار فرهنگی، ابتدا یک سوال کلی مطرح شد و سپس محقق، به اقتضای پاسخ‌های مصاحبه شونده‌ها، سوالات دیگری را مطرح شد. سوال اصلی این بود که ماهیت توسعه پایدار فرهنگی در فرهنگسراها از چه ابعادی تشکیل شده است؟ سایر سوالات مدل پارادایمی بعد از شکل‌گیری پدیده محوری، در قالب شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها از مسئولین فرهنگسراهای تهران پرسیده شد که در ادامه به آن می‌پردازیم. با انجام کدگذاری‌ها از روند و مطالب مصاحبه‌ها و اسناد به سه مقوله اصلی به شرح زیر دست یافته شد:

- پدیده رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا
- فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی
- ساختار فیزیکی - معماری فرهنگسرا

در پدیده رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، تمرکز ارزش‌ها، اهداف مشترک، کسب تجربیات گونه‌گون براساس فضا و مکان و دیدگاه‌های مختلف در زمینه فعالیت‌های فرهنگی از شرایط علی پدیده هستند؛ و عواملی چون عدم تطابق نیازهای

مرکز فرهنگی و گروه‌های هدف و برنامه‌ریزی ضعیف برای گروه‌های سنی مختلف به عنوان شرایط مداخله‌گر بر پدیده تاثیر دارند. راهبردهای کنش/واکنش، مجموعه اقداماتی که برای پاسخگویی به پدیده رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، اداره و مدیریت آن انجام می‌شود، عبارتند از: بهره‌گیری اقشار مختلف جامعه از مکان‌های فرهنگی، آشنایی با قواعد و ارزش‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی اوقات فراغت، جامعه‌پذیری، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگسرا. در نهایت پیامدها، پابندی به ارزش‌ها و اصول حاکم، کاهش شکاف نسلی، پذیرش دیدگاه‌های مختلف و احترام به آن و تقویت روابط اجتماعی به عنوان نتایج نهایی راهبردها شناسایی شد.

جدول شماره ۱: مدل پارادایمی رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا

شرایط علی	زمینه: فرهنگسراهای شهر تهران	راهبردها	پیامدها
تمرکز ارزش‌ها اهداف مشترک کسب تجربیات مختلف براساس فضا و مکان دیدگاه‌های مختلف	پدیده: رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا	بهره‌گیری از مکان‌های فرهنگی آشنایی با قواعد و ارزش‌های فرهنگی	پابندی به ارزش‌ها و اصول حاکم کاهش شکاف نسلی
	شرایط مداخله‌گر: عدم تطابق نیازهای مرکز فرهنگی و گروه‌های هدف برنامه‌ریزی ضعیف برای گروه‌های سنی مختلف	برنامه‌ریزی اوقات فراغت جامعه‌پذیری مشارکت در فعالیت‌های فرهنگسرا	پذیرش دیدگاه‌های مختلف و احترام به آن تقویت روابط اجتماعی

جدول شماره ۲: مدل پارادایمی فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی

شرایط علی	زمینه: فرهنگسراهای شهر تهران	راهبردها	پیامدها
فضای لازم برای برقراری رویدادها بسترها و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت فرهنگی-اجتماعی، آموزشی	پدیده: فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی	توانمندسازی گروه هدف جذب مخاطب	ارتقا مشارکت فرهنگی تقویت سمن‌ها و گروه‌های فعال
	شرایط مداخله‌گر: بده بستان فرهنگی	توانمندسازی سمن‌ها هویت بخشی به خود امنیت محیطی و روانی اعتماد سازی	پویایی فعالیت فرهنگسرا ایجاد فضای کار اشتراکی ارتقا هویت فرهنگی

در پدیده فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی، فضای لازم برای برقراری رویدادها، بسترها و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت فرهنگی-اجتماعی، آموزشی از شرایط علی پدیده هستند و بده بستان فرهنگی به عنوان شرایط مداخله‌گر بر پدیده تاثیر دارند. راهبردهای کنش/واکنش، مجموعه اقداماتی که برای پاسخگویی به پدیده فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی، اداره و مدیریت آن انجام می‌شود، عبارتند از: توانمندسازی گروه هدف، جذب مخاطب، توانمندسازی سمن‌ها، هویت بخشی به خود، امنیت محیطی و روانی و اعتماد سازی. در نهایت پیامدها، ارتقا مشارکت فرهنگی، تقویت سمن‌ها و گروه‌های فعال، پویایی فعالیت فرهنگسرا، ایجاد فضای کار اشتراکی، ارتقا هویت فرهنگی به عنوان نتایج نهایی راهبردها شناسایی شد.

در پدیده ساختار فیزیکی-معماری فرهنگسرا، کیفیت نفوذپذیری، تناسب بصری، تنوع - گوناگونی، انعطاف‌پذیری از شرایط علی پدیده هستند و فرهنگ بومی و محلی و تاریخ فرهنگی شهر به عنوان شرایط مداخله‌گر بر پدیده تاثیر دارند. راهبردهای کنش/واکنش، مجموعه اقداماتی که برای پاسخگویی به پدیده ساختار فیزیکی-معماری فرهنگسرا، اداره و مدیریت آن انجام می‌شود، عبارتند از: دسترسی به فضای فرهنگسرا متناسب با کارکرد فرهنگی، طراحی فضاهای داخلی متناسب با فعالیت‌ها، طراحی فضای سبز، قدمت ساخت فرهنگسرا، امکان تغییرات فضای فرهنگسرا متناسب با نیاز، امکان استفاده همه گروه‌ها، استفاده از موقعیت‌های مختلف و ساعات مختلف شبانه روز. در نهایت پیامدها امکان دسترسی به فضا برای عموم مردم، امکان تغییرات فضا متناسب با کارکرد و نیاز مخاطب، استفاده از مکان فرهنگسرا بسته به نیاز مخاطب در ساعات مختلف شبانه روز، ایجاد فضاهایی

برای تعاملات روزمره اقشار مختلف جامعه و تاثیر معماری داخلی فرهنگسرا در کارکرد بهینه فضا، به عنوان نتایج نهایی راهبردها شناسایی شد.

جدول شماره ۳: مدل پارادایمی ساختار فیزیکی - معماری فرهنگسرا

شرایط علی	زمینه: فرهنگسراهای شهر تهران	شرایط راهبردی	پیامدها
کیفیت نفوذپذیری تناسبات بصری تنوع - گوناگونی انعطاف پذیری	پدیده: ساختار فیزیکی - معماری فرهنگسرا شرایط مداخله گر: فرهنگ بومی و محلی تاریخ فرهنگی شهر	دسترسی به فضای فرهنگسرا متناسب با کارکرد فرهنگی طراحی فضاهای داخلی متناسب با فعالیت ها طراحی فضای سبز قدمت ساخت فرهنگسرا امکان تغییرات فضای فرهنگسرا متناسب با نیاز امکان استفاده همه گروه ها استفاده از موقعیت های مختلف و ساعات مختلف شبانه روز	امکان دسترسی به فضا برای عموم مردم امکان تغییرات فضا متناسب با کارکرد و نیاز مخاطب استفاده از مکان فرهنگسرا بسته به نیاز مخاطب در ساعات مختلف شبانه روز ایجاد فضاهایی برای تعاملات روزمره اقشار مختلف جامعه تاثیر معماری داخلی فرهنگسرا در کارکرد بهینه فضا

پس از بررسی کدگذاری باز و مقولات اصلی به یک مقوله محوری با عنوان نقش و جایگاه فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی، به مدل پارادایمی زیر رسیدیم.

جدول شماره ۴: مقوله محوری: نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسرا در توسعه پایدار فرهنگی

شرایط علی	زمینه: فرهنگسراهای شهر تهران دوره زمانی	شرایط راهبردی	پیامدها
رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی ضرورت فرهنگ در برنامه ریزی اصول ساختاری فرهنگ نیازسنجی و تطابق فعالیت ها با نیازها	پدیده: نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسرا در توسعه پایدار فرهنگی شرایط مداخله گر: دوره های تاریخی فرهنگ برنامه ریزی	سیستم فرهنگی شده به عنوان ابزار برنامه ریزی خلاقیت خاص در هر دوره تاریخی اصول ساختاری برای فرهنگ ارتباط و انعکاس پذیری	دستیابی به ارزش های متعالی فرهنگ ارتقا و اعتلای زندگی در جامعه ارتقا اصول اخلاقی ارتباطات فرهنگی تقویت نظام فرهنگی ارتقا مسئولیت پذیری اجتماعی ارتقا هویت فرهنگی

شرایط علی که بیان گر وقایع یا اتفاقاتی است که مستقیماً بر مقوله یا پدیده نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسرا در توسعه پایدار فرهنگی تأثیر می گذارند و موجب وقوع یا توسعه پدیده می شوند، رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی، ضرورت فرهنگ در برنامه ریزی، اصول ساختاری فرهنگ و نیازسنجی و تطابق فعالیت ها با نیازها می باشند.

زمینه، مجموعه ویژگی های خاص یک پدیده است. شرایط زمینه ای الگوهای پایداری هستند که با زمان و مکانی خاص عجین شده اند و مجموعه موقعیت هایی را ایجاد نموده اند که افراد و سازمان ها تحت این موقعیت ها از خود کنش / واکنش نشان می دهند. در این پدیده فرهنگسراها شهر تهران و همچنین دوره زمانی از عوامل زمینه ای این پدیده شناسایی شد.

منظور از شرایط مداخله گر، شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای عمل / تعامل است که به یک پدیده ربط دارد. همچنین، شرایط مداخله گر بر وقایعی دلالت دارد که موجب تغییر در شدت اثرگذاری شرایط علی می شوند. شرایط مداخله گر ماهیتاً به صورت اقتضایی و غیرمنتظره ظاهر می شوند. از این رو، نحوه پاسخ گویی به این نوع شرایط نیز به صورت اقتضایی و بسته به

موقعیت صورت می‌گیرد. که در این پدیده دوره‌های تاریخی و همچنین فرهنگ برنامه‌ریزی به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شد.

راهبردهای کنش/واکنش، مجموعه اقداماتی است که برای پاسخگویی به پدیده محوری، اداره و مدیریت آن انجام می‌شود. راهبردها از جنس اقدام و عمل است. راهبردها، کنش‌ها/واکنش‌هایی است که افراد یا سازمان‌ها در قبال وقایع، مباحث، مشکلات، یا اتفاقات تحت شرایطی معین از خود بروز می‌دهند. این کنش‌ها/واکنش‌ها ممکن است در سطحی راهبردی، جایی که پاسخ‌های معطوف به حل مشکل عمدتاً از طریق تأثیر گذاشتن بر پدیده صورت می‌پذیرد، یا در سطحی عملیاتی، جایی که اقدامات عمدتاً از رویه‌های تکراری و استاندارد پیروی می‌کند، رخ دهند؛ که در این پدیده سیستم فرهنگی شده به عنوان ابزار برنامه‌ریزی، خلاقیت خاص در هر دوره تاریخی، اصول ساختاری برای فرهنگ، ارتباط و انعکاس‌پذیری شناسایی شد.

پیامدها، نتایج نهایی اجرای راهبردها هستند. پژوهشگران بر حسب نوع راهبردها می‌توانند پیامدهای حاصله را دسته‌بندی کنند که در این عرصه عبارتند از: دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگ، ارتقا و اعتلای زندگی در جامعه، ارتقا اصول اخلاقی، ارتباطات فرهنگی، تقویت نظام فرهنگی، ارتقا مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارتقا هویت فرهنگی.

نتیجه‌گیری

براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، هسته محوری شناسایی شده نقش فضا، مکان و معماری فرهنگسرا در توسعه پایدار فرهنگی از بین سه مقوله اصلی، پدیده رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، فرهنگسرا به عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی و ساختار فیزیکی - معماری فرهنگسرا شناسایی شد. شرایط علی این پدیده‌ی نظام فرهنگی، ضرورت فرهنگ در برنامه‌ریزی، اصول ساختاری فرهنگ، نیازسنجی و تطابق فعالیت‌ها با نیازها می‌باشد. فرهنگسراهای شهرتهران و دوره زمانی به عنوان شرایط زمینه‌ای و دوره‌های تاریخی و همچنین فرهنگ برنامه‌ریزی به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شد. راهبردها در این پدیده‌ی سیستم فرهنگی شده به عنوان ابزار برنامه‌ریزی، خلاقیت خاص در هر دوره تاریخی، اصول ساختاری برای فرهنگ، ارتباط و انعکاس‌پذیری و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگ، ارتقاء و اعتلای زندگی در جامعه، ارتقا اصول اخلاقی، ارتباطات فرهنگی، تقویت نظام فرهنگی، ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارتقاء هویت فرهنگی می‌باشد.

فرهنگسراها به عنوان یک فضای فرهنگی، نقش بسیار مهمی در عملکردهای آگاهانه متناسب با ارزش‌ها و اهداف مشترک و کسب تجربه دارند. از طرفی به واسطه فضا و معماری منحصر به فردی که اکثریت فرهنگسراها به لحاظ کیفیت نفوذپذیری به معنای دسترسی به فضا (فیزیکی و بصری) و دسترسی به عملکردهای فضا به عنوان شروط اولیه قابل استفاده بودن یک فضا، کیفیت تناسب بصری به معنای ابعاد و اندازه فضا، شکل فضا، رابطه میان ابعاد فضا بر درک انسان از آن فضا و حس مثبت یا منفی افراد از فضا، تنوع فعالیتی و تنوع فضایی به عنوان عواملی که بر جاذبه محیط می‌افزاید و امکان حضور هرچه بیشتر افراد در آن را افزایش می‌دهد و در نهایت کیفیت انعطاف‌پذیری و امکان تغییرات در فضا با توجه به نیازهای افراد و همچنین امکان تغییرات در عملکردهای موجود در فضا، می‌توانند تعاملات و روابط اجتماعی را گسترش داده به گونه‌ای که دیدگاه‌های مختلف را می‌پذیرند و برای آن احترام قائل می‌شوند. از طرفی مشارکت مردم در این فضاها تغییراتی در حوزه ادراک، شناخت، ارزش، گرایش‌ها و کنش‌های خاص مناسب توسعه در افراد جامعه پدید می‌آورد.

از جهتی دیگر فرهنگسرا به عنوان خاستگاه قدرت اجتماعی می‌تواند سطح امنیت و مشارکت اجتماعی را افزایش داده و به واسطه پویایی فعالیت فرهنگسراها، نقش مهمی در ارتقا هویت فرهنگی در جامعه داشته باشند و موجبات توسعه فرهنگی را در فضا و مکان‌های مختلف ایجاد کنند.

تحلیل جامعه شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی (مطالعه موردی: فرهنگسراهای شهر تهران) / ۱۷

ضرورت فرهنگ در برنامه‌ریزی و سیستم برنامه‌ریزی شده به عنوان ابزاری فرهنگی با تعامل و انعکاس پذیری می‌تواند اصول اخلاقی متناسب با اصول ساختاری برای فرهنگ را ایجاد کند و شرایط و امکاناتی را برای آحاد جامعه که سبب رشد فرهنگی در جامعه باشد را فراهم نماید و به توسعه پایدار فرهنگی دست یابد.

منابع

- اشتراوس، آنسلم، جولیت کوربین، ۱۳۹۶، اصول تحقیق کیفی - شیوه‌ها و رویه‌های توسعه گراند تئوری، ترجمه ناهید دهقان نیری و همکاران، انتشارات اندیشه رفیع، تهران.
- امام جمعه، فرهاد، ۱۳۹۵، جامعه شناسی فرهنگی، تهران: بهمن برنا، چاپ پنجم.
- جعفری، زهرا، الگوهای استفاده از فرهنگسرا در میان جوانان شهر تهران (معانی، انگیزه‌ها و کارکردها)، پایان‌نامه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- رضائی، محمد، ۱۳۸۶، ناسازه‌های گفتمان مدرسه، تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزی، موسسه انتشاراتی جامعه فرهنگ، تهران.
- ریتزر، جورج، ۱۳۹۱، نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ نائی، نشر نی، تهران.
- زاهد، سعید، ۱۳۹۱، بررسی راهکارهای توسعه فرهنگی شهر شیراز از دیدگاه کارشناسان فرهنگی و جوانان، طرح پژوهشی معاونت برنامه‌ریزی شهرداری شیراز ۱۳۸۸، شیراز.
- ژلتیس، آندری، ۱۳۹۹، فضا و نظریه اجتماعی، ترجمه آیدین ترکمه، انتشارات علمی - فرهنگی، تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۷۷، سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- لطیفی، غلامرضا، ۱۳۸۰، نقش و اهمیت توسعه فرهنگی در فرایند توسعه پایدار شهری، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، تهران.
- نظام آبادی، مریم، ۱۳۸۶، کافی شاپ نشینی در میان زنان جوان تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- یانگ، گرگ، ۱۳۹۲، شکل دهی جدید برنامه‌ریزی از طریق فرهنگ، ترجمه عین‌الله کشاورز، انتشارات تیس، تهران.
- Gidens.A. and J. H. Turner (eds.), 1989 social Theory Today. Stanford, Calif: Stanford University Press: 195-223.
- Ralf, Dahrendorf; Ibid, P: 229-230
- Hawkes, J. 2004, The Fourth Pillor Of Sustainability-Cultural Essential Role in public Planning, Victoria: Cultural Development Network.
- Heyden, D. 1995, The Power of Place-Urban Landscapes as Public History, Cambridge: MIT press.
- Ladry, C. 2000, The CreativeCity: A Toolkit for Urban Innovators, Stroud: Comedia/Earthscan.
- Landry, C. 2006, The Art of City-Making, London: Earthscan.

Sociological analysis of the role of space and architecture of cultural centers in sustainable cultural development (Case study: Cultural centers of Tehran)

Niloofar Soodmand^{1*}

PhD Student in Sociology - Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farhad Emamjomeh²

Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University of Markazi Province, Iran, (Corresponding Author)

Alieh Shekarbeugi³

Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University of Markazi Province, Iran

Abstract: Cultural development is a process during which changes in the field of perception, cognition, value, tendencies and appropriate developmental actions occur in society, and the realization of this depends on people's participation in cultural activities by constructing cultural and artistic places and creating Cultural goods exhibitions and various cultural festivals take place. Today, cultural centers, despite the infrastructure, architecture and appropriate space, are less in line with their development goals and have gaps in the field of development planning that can be considered. The present study is developmental and applied in terms of purpose and is exploratory in terms of data collection method. In this research, with the help of data theory qualitative research method and with the help of library documentation tools and semi-structured interviews of 20 cultural center officials and cultural planning deputies of Tehran, a paradigm model has been tried to explain the space capacity and architecture of Tehran cultural centers. Present the direction of sustainable cultural development. In this study, 3 main streams with the title of events and conscious actions in the cultural center, cultural center as the source and origin of social power and physical structure-architecture of the cultural center and with central coding to the core of the discussion as the role and place of cultural centers in sustainable cultural development we arrived. Causal, contextual, interventionist conditions are examined and strategies are proposed accordingly.

Key words: *Cultural Development, Cultural Center, Culture, Space and Place.*

¹ Email: niloofar_soodmand@yahoo.com

² Email: f-emamjomeh@iau.ac.ir (Corresponding Author)

³ Email: ashekarbeugister@gmail.com